

پیران ۲۰ شوال ۱۲۳۰

بزرگوار خان را عرض
مکنی از آنکه نامه شما آمد و چون از شب سفر منتهی بخوابم و شما درین
جواب می فرمایید. مخصوصه که با این یک نامه را اینها بدین منتهی در نامه بنی از وقت امکان
آشنا کرده بودید. چه خوب کردید. عیب جستن را نکنید. کلاس بیشتر عیب
با این را میگویند. من گویم که تفادارم و خوشتر آن بدوم که روشن بدید ترا میگویند
تا روشن کنی از من بجهت کند

اما در باره درستان چه دید من با من و کینه دشمنان که در کاره چاپ شده
خوشتر آنکه من در وقت رسالت من در باره آن اظهار میداد. اگر چه کسی در وقت
و با هم کسی در وقت باشد. بد است و در این صورت رای کمال من. بدی که در شان
کتاب و جمله با پیوسته در باره کارهای بنیست. بیشتر بنی که برای روشن
کتاب و در وقت رسالت در آن دیدم. اگر کسی در این صورت عیب است میاید
از او خبر من کنید یک سخن من برونه در من گفتا کاره و شایسته کتاب و برونه که
دارم بر اینان میفرستیم

در باره چاپ کتاب جان آنچه از دستم بر آید خواهم کرد. بیشتر در این
قول میگویم. منتهی و هیچ وجه صلح نمیکنم که عین رسالت و عطف را بیاورد شسته را
نفرستید. اگر میخواهید آنرا فرستد کسی (بسیار از آنکه خوب از آن بر آید) بگوید
در نامه ای از آن را بر این نیز بفرستید تا ببینیم چه کارهای از دست من بر آید
مفهوم آن که در اثر کلمات من از من شسته گم شده در

شتران با خوارم. شعر امید داری که همیشه تا و شایان خوش بگوشان
امید دارم که روزی آن روزهای همه ما بر آورده شود

۲۵

سید علی

۶۲